

تردید در وجود تلقی جهان شمول از عقلانیت در رویه‌های شهرسازی

مرتضی هادی جابری مقدم*

تاریخ دریافت: ۹۲/۰۶/۱۲ تاریخ پذیرش: ۹۲/۰۹/۱۸

چکیده

باوری مستحکم، عمیق و دیرپا در میان شهرسازان و برنامه‌ریزان وجود دارد که بر مبنای آن، رویه‌های معمول خویش را دنبال می‌کنند. این باور بر پیش فرضی تردیدناپذیر بنا شده و آن همراهی تاریخی عمل و نظر شهرسازی با عقلانیت است. علاوه بر این، به نظر می‌رسد شهرسازان در بیشتر اوقات برای نشان دادن صحت دعاوی خویش به مفهوم عقلانیت متوسل می‌شوند. ظاهراً این موضوع نقشی اساسی در شهرسازی ایفا می‌کند و به این ترتیب، تأمل در مفهوم عقلانیت می‌تواند پژوهش‌هایی راهگشا و تعیین‌کننده را رقم بزند و شهرسازان را در رویارویی با پرسش‌های مهم یاری کند. پرسش‌هایی از این دست: منظور شهرسازان از معقول بودن رویه‌هایشان و به‌خصوص نظریه‌هایشان چیست؟ آیا چارچوب و ساختار و نظریه‌ای فراتاریخی، فرامکانی و فراقومی و جهان‌شمول از عقلانیت، در نظریه‌های شهرسازی وجود دارد که شهرسازان رویه‌های خویش را با آن تطبیق دهند؟ این مقاله سعی دارد تا با معرفی یک پژوهش کیفی و تحلیل نتایج آن، تبیینی برای دو پرسش مذکور ارائه کند. به نظر می‌رسد بر پایه این نتایج شهرسازان می‌توانند تجدید نظری اساسی در باور به ضرورت همراهی عقلانیت با شهرسازی و نیز تلقی واحد جهان‌شمول از عقلانیت، در نظریه‌های شهرسازی را در دستور کار خویش قرار دهند.

کلیدواژه‌ها

عقلانیت، رویه شهرسازی، پژوهش کیفی، شهرسازی عقلانی، عقلانیت جهان‌شمول.

پرسش‌های پژوهش

۱. مراد شهرسازان از معقول بودن رویه شهرسازی چیست؟
۲. با توجه به اصرار شهرسازان بر الزام معقول بودن رویه‌های شهرسازی، آیا می‌توان از عقلانیتی واحد و جهان‌شمول در شهرسازی سخن گفت؟

مقدمه در باب عقلانیت

رویه‌های شهرسازی به شکل مستقیم و غیرمستقیم، حیات بشر معاصر را از ابعاد مختلف، تحت تأثیر قرار داده و به نحوی شگرف، سبکی از زندگی را رقم زده است که اختصاصات آن در گستره گیتی، ظهور و بروز یافته است. در این میان، رویه‌های شهرسازی و به خصوص نظریه‌های شهرسازی معاصر، به طور معمول دعوی عقلانیت^۱ دارند. همگی این نظریه‌ها مدعی هستند که به کار بستن آن‌ها شهری مطلوب و سبکی معقول از زندگی را محقق خواهد ساخت. به این ترتیب، به نظر می‌رسد مقوله عقلانیت بسیار مبنایی و درخور تأمل و توجه است. با جست‌وجویی ساده و ابتدایی و بسیار کلی در آثار مکتوب و به خصوص در دهه‌های اخیر، به آسانی می‌توان دریافت که موضوع عقلانیت، مبهم و در عین حال، بسیار پردامنه، تأثیرگذار و تعیین‌کننده، عمیق و تأمل‌برانگیز است و مورد توجه گروهی از نظریه‌پردازان پیشرو معاصر قرار گرفته است. ارنست الکساندر، نظریه‌پرداز شهرسازی معاصر در مقاله‌ای تفصیلی و در دفاع از عقلانیت شهرسازی می‌نویسد: «به هر صورت و در اصل، شهرسازی نمی‌تواند چیزی به جز امر عقلانی باشد» (Alexander 2000, 243).

تنها سه سال پس از این اظهار نظر، مایکل گاندر و جین هیلیر، دو نظریه‌پرداز برجسته دیگر، یکی در کانادا و دیگری در انگلیس، در تبیین ریشه‌های این مسئله چنین اظهار می‌دارند که: «شهرسازی نه تنها فرآورده نهضت روشنفکری یا مدرنیته است، بلکه اساساً شهرسازی معاصر فرزند عقلانیت غربی است و عقلانیت غربی جوهره متافیزیکی بنیانی روشنفکری و مدرنیته است» (Hillier and Gunder 2009, 11).

به این ترتیب، مسئله عقلانیت در شهرسازی با ریشه‌های فلسفی و جامعه‌شناختی آن ارتباط پیدا می‌کند؛ عرصه‌هایی که از دهه هفتاد قرن گذشته پر از مباحث متکثر، عمیق و دنباله‌دار درباره عقلانیت، توسط پیش‌قراولان آن است. آنچه از مجموع این مباحث بر می‌آید، آن است که امروزه در بحث از عقلانیت، کمتر باید به تعریف آن پرداخت. این نکته هنگامی اهمیت بیشتری می‌یابد که پژوهشگری بنا داشته باشد تا امکان وجود تعریف، تبیین یا تلقی واحد از عقلانیت در یک حوزه خاص از دانش بشری را بررسی کند. به نحوی اجمالی در اینجا می‌توان گفت: عقلانیت چیزی است که شهرسازان مدعی هستند که رویه‌های خویش را با آن قوام می‌بخشند و معتبر می‌سازند. امید است در پایان این مقاله و در صورت توفیق، در یافتن تلقی‌ای جهان‌شمول و واحد از عقلانیت، در رویه‌های شهرسازی، آن را ارائه و معرفی کنیم.

۱. پرسش پژوهش و ضرورت آن

همان‌گونه که بیان شد، همراهی و پیوند میان شهرسازی و عقلانیت، مقوله‌ای قطعی و تردیدناپذیر تلقی می‌شود. صاحب‌نظران برجسته بر این موضوع صحنه گذاشته‌اند (Hillier & Gunder 2009; Faludi 1985). این موضوع در سال‌های اخیر، مورد توجه برخی از نظریه‌پردازان پیشرو در شهرسازی قرار گرفته است. جان فریدمن در همین باره می‌نویسد: «اگر یک موضوع وجود داشته باشد که در تمام بحث‌ها و گفت‌وگوهای شهرسازی جریان دارد، همانا عقلانیت است. خواه شما له یا علیه شهرسازی استدلال و بحث کنید، خیلی زود یا با اندکی تأخیر، سخن خویش را با این پرسش خاتمه خواهید داد که آیا شهرسازی معقول است و آیا می‌تواند معقول باشد و تا چه حدی می‌تواند معقول باشد... چگونه می‌توان تصمیمات و اعمال معقول تری داشت؟» (Friedmann 1987, 97).

تبیین‌ها و توضیحات مختلفی دربارهٔ چرایی این همراهی ارائه شده است؛ برای نمونه، تور سیجر به‌عنوان یکی از نظریه‌پردازان پرکار در این زمینه، در تشریح دلایل پیوند شهرسازی با عقلانیت، به بیان سه دلیل زیر می‌پردازد:

«۱. چون بیشتر پیشنهادات و نظرات شهرسازان، عامه‌پسند و رایج و همگانی نیست؛ لذا آن‌ها مورد نقد واقع می‌شوند... این موقعیت آسیب‌پذیر، به بنیان نظری سخت و محکمی نیاز دارد که نشان دهد چرا کار شهرسازان مهم است. عقلانیت به شهرسازان اجازه می‌دهد تا انرژی خویش را به سمت مقولات بحث‌برانگیز در خود برنامه‌ها جهت دهند به‌جای آنکه مرتباً با پرسش از مشروعیت حرفهٔ خویش مواجه باشند.

۲. عقلانیت باعث می‌شود تا کارکرد شهرسازی در جامعه نشان داده شود و به شهرسازان مبتدی کمک می‌کند که بفهمند جامعه از آن‌ها چه انتظار دارد...»

۳. عقلانیت یک جهت‌یابی عقیدتی برای شهرسازان است. کار عملی شهرسازی آینده از منافع و علایق در تعارض با یکدیگر است. عقلانیت گزینه‌ای اصولی برای دستیابی به مصالحه‌ای کارآمد در شرایط سخت را فراهم می‌نماید» (Sager 1992, 130)

بدین سبب به‌نظر می‌رسد عقلانیت مقوله‌ای مبنایی و بسیار تأثیرگذار در شهرسازی باشد و از این جهت می‌تواند مورد توجه و تأمل قرار گیرد. در عین حال، موضوعات و پرسش‌های بسیار و گسترده‌ای دربارهٔ عقلانیت مطرح است که هر یک نیز در جای خود می‌تواند بستر مناسبی برای پژوهش و مطالعه باشد. پرسش‌هایی از این دست:

- چرا شهرسازان بر معقول‌بودن رویه‌های خویش اصرار و تأکید دارند؟
- نسبت میان رویهٔ^۲ شهرسازی معقول و علمی‌بودن آن چیست؟
- آیا معقول‌بودن رویه‌های شهرسازی به‌معنای توجیه‌پذیری و مستدل‌بودن آن‌هاست؟
- مراد شهرسازان از معقول‌بودن رویهٔ شهرسازی چیست؟
- با توجه به اصرار شهرسازان بر الزام معقول‌بودن رویه‌های شهرسازی، آیا می‌توان از عقلانیتی واحد و جهان‌شمول در شهرسازی سخن گفت؟

تأمل در این پرسش‌ها خواهد توانست آگاهی ما را دربارهٔ این موضوع مبنایی در شهرسازی افزایش دهد و راه را برای مطالعات بیشتر هموار سازد. در این مقاله، همان‌گونه که در ابتدا مشخص شده است، سعی خواهد شد تا با تمرکز بر دو پرسش آخر و با توجه به مطالعات و بررسی‌های انجام‌شده، پاسخ یا تبیینی برای آن‌ها ارائه شود تا راه برای تأمل در سایر پرسش‌ها فراهم گردد. در همین باره و به‌عنوان فرضیهٔ این پژوهش، به‌نظر می‌رسد تلقی واحدی از عقلانیت در شهرسازی وجود دارد که عموم شهرسازان، رویه‌های خویش را با آن مطابقت می‌دهند و پیش می‌برند. این فرضیهٔ بسیار مهم و مرسوم است که در پاسخ به پرسش‌های مطرح در این مقاله شکل گرفته است. اصرار تأمل‌پذیر نظریه‌پردازان شهرساز بر ضرورت معقول‌بودن رویه‌های شهرسازی، به‌نحو غیرمستقیم، مؤید این فرضیه است.

۲. تأملی بر اصرار شهرسازان در استفاده از عقلانیت در رویه‌هایشان

صاحب‌نظران پیشرو و برجسته در شهرسازی، مفهومی مشترک را به‌عنوان ضرورتی تفکیک‌ناشدنی از رویه‌های شهرسازی در نظر می‌گیرند. آنان بر این نکته تأکید و اصرار دارند که رویهٔ شهرسازی باید «معقول» باشد. اشتراک و اتفاق نظر بر مفهوم عقلانیت از یک سو، بسیار درخور تأمل و از سوی دیگر، بسیار پر تأثیر و پر نفوذ است؛ به این معنا که به‌نحوی تأمل‌برانگیز، توسل به این مفهوم مشترک در رویارویی با مخاطب، اعم از شهروندان، مدیران شهری و حتی شهرسازان، سکوت‌برانگیز و قانع‌کننده است؛ به‌عبارت دیگر، هنگامی که شهرساز ادعای خویش را معقول می‌شمارد، مخاطب سپرهای دفاعی خویش در مقابل آن ادعا را به‌صورت خودکار بر زمین می‌نهد و به‌راحتی در برابر آن تسلیم و آمادهٔ پذیرش آن می‌شود. بدیهی است که شهرساز با سنجیدن اوضاع و به‌نحو مقتضی، همراه با ارائهٔ ادعای خویش، متوسل به ذکر «دلایل»، «شواهد» یا «مستندات» نیز می‌گردد. تأمل در اینکه چرا مخاطب چنین عکس‌العملی را در برخورد با معقول‌بودن یک ادعا نشان می‌دهد، پژوهشی مجزا را طلب می‌کند که می‌تواند

در بستر کاوشی تاریخی تجربی و فلسفی روان‌شناختی دنبال شود؛ اما در اینجا تمرکز ما بر سوی دیگر این رابطه، یعنی مدعیان عقلانیت یا همان شهرسازان خواهد بود.

با توجه به این نکته و با تکیه بر مطالعات میدانی صورت‌گرفته تلاش می‌شود تا به‌طور مشخص به این پرسش پاسخ داده شود که «مراد شهرسازان از معقول بودن رویه‌های شهرسازی چیست؟»

اگر مخاطبان یک ادعای معقول عکس‌العملی غالباً مشابه و یکسان (شامل سکوت، پذیرش و قانع‌شدن) را اتخاذ می‌کنند، آیا می‌توان اراده، نیت، هدف و منظوری واحد و یکسان را در جانب دیگر، یعنی شهرسازان مدعی عقلانیت، جست‌وجو و معرفی کرد؛ به عبارت دیگر، آیا شهرسازی که در برخورد با مخاطبان از معقول بودن رویه‌های خویش سخن می‌گویند، نیت، مراد و منظوری یکسان یا حتی مشابه دارند؟ بی‌درنگ باید با ذکر نکته‌ای مهم، دامنه پرسش را روشن‌تر و مشخص‌تر کرد. دستیابی به نیت و اغراض واقعی متخصصان و از جمله شهرسازان، مقوله‌ای بسیار پیچیده، زمان‌بر، حوصله‌بر یا شاید تا حد بسیار زیاد، غیرممکن باشد. یا به تعبیر برنشتاین، فیلسوف معاصر آمریکایی: «ما (گروه عالمان و متخصصان) به شیوه‌هایی ماهرانه (که آن‌ها را به مرور آموخته‌ایم) نیت شخصی خویش را به صورت آرا و ایده‌هایی که وجهی معقول و جهان‌شمول داشته باشند، درآورده و ارائه می‌کنیم» (106, 2010, Bernstein).

به این ترتیب، از خوانش نیت و اغراض شهرسازان صرف‌نظر کرده و تلاش بر این نکته معطوف می‌شود که منظور شهرسازان از معقول بودن رویه‌های شهرسازی چیست؟ برای روشن‌شدن جوانب این موضوع، پیمایشی میدانی در حوزه‌های پژوهشی کیفی^۳ مد نظر قرار گرفت:

۳. پیمایش میدانی

برای پیمایش میدانی، جامعه‌ای شصت‌نفره از استادان درس نظریه‌های شهرسازی در دانشگاه‌های کشورهای آمریکا، انگلیس، فرانسه و استرالیا به‌عنوان جامعه هدف انتخاب شد. در انتخاب جامعه هدف، سعی شد تا نظریه‌پردازان برجسته و نیز دانشگاه‌های مشهور مخاطب واقع شوند. به همین منظور، از ارتباطات و آشنایی‌های این افراد با یکدیگر، برای معرفی پژوهش و ترغیب ایشان برای همکاری، کمال بهره‌برداری به‌عمل آمد. همان‌گونه که بلسون خاطر نشان می‌سازد: «هرگاه پژوهشگر بخواهد از طریق داده‌هایی که از یک گروه نسبتاً اندک جمع‌آوری شده است، درباره یک گروه بسیار بزرگ قضاوت کند، روش پرسشنامه^۴ می‌تواند مفید واقع شود» (Belson 1982, 54). بنابراین تهیه و توزیع پرسشنامه‌ای در میان جامعه هدف، به‌منظور گردآوری اطلاعات درباره باور این گروه از شهرسازان، به مفهوم عقلانیت و تلقی آن‌ها از این مفهوم و سپس تحلیل آن، در دستور کار قرار گرفت. چنانچه تمامی افراد این گروه یا اکثر آن‌ها پاسخی واحد یا مشابه به این پرسش داشته باشند، می‌توان نسبت به نتیجه‌گیری براساس استقرا و تعمیم آن به عموم شهرسازان، به‌عنوان یک گزینه اقدام کرد؛ اما چنانچه تفرق و تنوع پاسخ‌ها در این پیمایش، معنادار باشد، نمی‌توان به پاسخی واحد اندیشید. به این ترتیب و با در دست داشتن نتایج این پیمایش، می‌توان با احتمال بسیار بیشتری درباره پاسخ یکی از دو پرسش اصلی این مقاله سخن گفت و درباره آن تصمیم‌گیری کرد و اظهار نظر نمود.

در این پیمایش و به تبع عموم پژوهش‌های مبتنی بر پرسشنامه، به‌طور کامل چنین فرض شد که پاسخ‌های افراد مورد تحقیق، از صحت و صداقت کامل برخوردارند. این پرسشنامه شامل چندین پرسش می‌شود که دارای پاسخ‌های مشخص بوده و در عین حال، افراد مورد تحقیق محدودیتی برای درج پاسخ‌های مد نظر خویش که در میان پاسخ‌ها یافت نمی‌شود، ندارند. برای سنجش اعتبار پرسشنامه و اعتماد به آن، در مرحله ابتدایی این پرسشنامه در میان یک گروه ده‌نفره از دانشجویان مقطع دکتری شهرسازی، در کشور آمریکا توزیع شد و پس از جمع‌آوری نتایج نسبت به تجدید نظر و ژرف‌نگری آن، اقدامات لازم به‌عمل آمد و در پارهای از موارد که این افراد به ابهام سؤالات اشاره کرده بودند، اصلاحات لازم نیز صورت گرفت. به‌طور مشخص، دو پرسش اصلی این پرسشنامه که می‌توانست زمینه لازم برای پاسخ به پرسش‌های این مقاله را فراهم کند، عبارت بودند از:

- هنگامی که در اثری شهرسازی (مقاله، کتاب، سخنرانی، پروژه و...) با واژه عقلانی روبه‌رو می‌شوید، چه برداشتی از آن دارید؟

- هنگامی که در اثری تخصصی، واژه عقلانی را به کار می‌برید، چه منظوری دارید؟
چهار گزینه ارائه شده در پرسشنامه، برای هر دو پرسش عبارت بودند از: علمی، منطقی، مبتنی بر عقل و توجیه‌پذیر. علاوه بر این، دو پرسش مذکور از طریق چند پرسش فرعی پشتیبانی می‌شد. نتایج حاصل از گردآوری پاسخ‌ها و نحوه پاسخ افراد مورد تحقیق، بسیار درخور توجه و تأمل‌برانگیز است.

۳-۱. نتایج پیمایش و تحلیل آن

پس از جمع‌آوری پاسخ‌های ارسال شده و استخراج و ثبت و ضبط پاسخ‌ها، نتایج ابتدایی زیر درباره دو پرسش مذکور در پرسشنامه به دست آمد:

- از مجموع شصت پرسشنامه ارسال شده، تعداد ۵۲ نفر از افراد در زمان مقرر، پاسخ‌های خویش را ارسال کردند. در این میان، تمامی ۵۲ نفر به دو پرسش مذکور پاسخ داده‌اند.

- از این ۵۲ نفر، تنها شش نفر پاسخ خویش به این دو سؤال را از میان گزینه‌های موجود انتخاب کرده و ۴۶ نفر به پاسخ مد نظر خویش که متفاوت از گزینه‌های موجود بوده، اشاره کرده‌اند.

- تعداد ۵۰ نفر به هر دو پرسش پاسخی یکسان داده‌اند؛ به این معنا که هم در مواجهه با رویه عقلانی و هم در استفاده از آن، منظوری واحد را دنبال کرده‌اند.

- پاسخ‌های ارائه شده و فراوانی آن‌ها و تحلیل آماری مختصر آن‌ها در جدول زیر ارائه شده است:

جدول ۱: ثبت و تحلیل آماری نتایج پیمایش بخش اول

ردیف	گزینه‌های مندرج در پرسشنامه			سایر پاسخ‌های افراد مورد تحقیق				مجموع درصدها	
	۴	۲۸							
۴۳	مطلوب ^{۱۰} - انسجام منطقی ^{۱۱} - تمرین بخش ^{۱۲} - خوب ^{۱۳} - همراه کننده ^{۱۴} - عامه پسند ^{۱۵} - کارآمد ^{۱۶} - داشتن توان بسیج ^{۱۷} - احساسی بی‌ضابطه ^{۱۸} - مجاز ^{۱۹} - کلاهبرداری ^{۲۰} - جذاب ^{۲۱} - اخلاقی ^{۲۲} - اثبات‌پذیر ^{۲۳} - ارزشمند ^{۲۴}	مقبول ^{۲۵} - تأییدپذیر ^{۲۶} - مستدل ^{۲۷} - ساده ^{۲۸} - درکشده ^{۲۹} - مد ^{۳۰} - اجراشدنی ^{۳۱} - فریب‌کاری ^{۳۲} - کامل ^{۳۳}	مقبول ^{۳۴} - تأییدپذیر ^{۳۵} - مستدل ^{۳۶} - ساده ^{۳۷} - درکشده ^{۳۸} - مد ^{۳۹} - اجراشدنی ^{۴۰} - فریب‌کاری ^{۴۱} - کامل ^{۴۲}	مقبول ^{۴۳} - تأییدپذیر ^{۴۴} - مستدل ^{۴۵} - ساده ^{۴۶} - درکشده ^{۴۷} - مد ^{۴۸} - اجراشدنی ^{۴۹} - فریب‌کاری ^{۵۰} - کامل ^{۵۱}	مقبول ^{۵۲} - تأییدپذیر ^{۵۳} - مستدل ^{۵۴} - ساده ^{۵۵} - درکشده ^{۵۶} - مد ^{۵۷} - اجراشدنی ^{۵۸} - فریب‌کاری ^{۵۹} - کامل ^{۶۰}	مقبول ^{۶۱} - تأییدپذیر ^{۶۲} - مستدل ^{۶۳} - ساده ^{۶۴} - درکشده ^{۶۵} - مد ^{۶۶} - اجراشدنی ^{۶۷} - فریب‌کاری ^{۶۸} - کامل ^{۶۹}	مقبول ^{۷۰} - تأییدپذیر ^{۷۱} - مستدل ^{۷۲} - ساده ^{۷۳} - درکشده ^{۷۴} - مد ^{۷۵} - اجراشدنی ^{۷۶} - فریب‌کاری ^{۷۷} - کامل ^{۷۸}	مقبول ^{۷۹} - تأییدپذیر ^{۸۰} - مستدل ^{۸۱} - ساده ^{۸۲} - درکشده ^{۸۳} - مد ^{۸۴} - اجراشدنی ^{۸۵} - فریب‌کاری ^{۸۶} - کامل ^{۸۷}	مقبول ^{۸۸} - تأییدپذیر ^{۸۹} - مستدل ^{۹۰} - ساده ^{۹۱} - درکشده ^{۹۲} - مد ^{۹۳} - اجراشدنی ^{۹۴} - فریب‌کاری ^{۹۵} - کامل ^{۹۶}
۴۴	فراوانی پاسخ‌ها (A)	۲	۱	۱	۲	۳	۴	--	
۴۵	تعداد (B)	۴	۱	۱	۱۵	۱۸	۹	۴	
۴۶	درصد فراوانی تعداد پاسخ به هر گزینه نسبت به کل پاسخ‌ها (B/۵۲)	۸	۲	۲	۲۹	۳۴/۳	۱۷	۷/۷	
۴۷	مجموع درصدها	۱۲			۸۸				۱۰۰
۴۸	درصد فراوانی گزینه‌ها نسبت به کل گزینه‌ها (A/۳۲)	۳/۴	۱/۴	۱/۴	۴۷	۲۸/۱	۹/۴	۳/۱	
۴۹	مجموع درصدها	۱۲/۴			۸۷/۶				۱۰۰

با توجه به جدول بالا می‌توان به نکات دیگری اشاره کرد:

- به جز چهار پاسخ گنجانیده شده در پرسشنامه، تعداد ۲۸ گزینه متفاوت دیگر به عنوان پاسخ مطرح شده است. به این ترتیب، در مجموع تعداد ۳۲ گزینه به عنوان تلقی از رویه عقلانی در شهرسازی اظهار شده است.

- ۲۸ پاسخ متفاوت اظهار شده توسط افراد مورد تحقیق، طیف وسیع و بسیار تأمل برانگیز و حتی غیرمنتظره‌ای را در بر می‌گیرد.

- تنوع و تکثر پاسخها در حدی است که دسته‌بندی آنها را در گروه‌هایی که بتوان تفسیر و قرائتی مشابه و یکسان از آنها ارائه کرد، غیرممکن می‌سازد.

- همان گونه که جدول نتایج نشان می‌دهد بیشترین تعداد گزینه‌ها یعنی ۱۷ گزینه تنها یک بار در پاسخها اظهار شده است که درصدی بالغ بر ۵۳ درصد را شامل می‌شود.

- تنها ۱۲ درصد از پاسخ‌دهندگان، گزینه‌های مندرج در پاسخنامه را انتخاب کرده‌اند.

- تنها گزینه‌ای که از بیشترین فراوانی برابر ۴ برخوردار بوده، گزینه انسجام است و در نسبت به کل پاسخها فقط معادل ۷/۷ درصد از انتخابها را به خود اختصاص داده است.

به این ترتیب، با طیفی وسیع و متنوع از پاسخها روبه‌رو هستیم. در اینجا و برای نمونه به گروهی از این پاسخها اشاره می‌شود:

- تنها دو نفر از پاسخ‌دهندگان، مراد از رویه عقلانی را رویه‌ای دانسته‌اند که علمی باشد.
- چهار نفر از پاسخ‌دهندگان، رویه‌ای را در شهرسازی عقلانی انگاشته‌اند که انسجام داشته باشد.
- سه نفر از پاسخ‌دهندگان، رویه‌ای را در شهرسازی که مورد وفاق و اجماع باشد، عقلانی می‌دانند.
- سه نفر دیگر از افراد مورد تحقیق، استفاده از مفهوم عقلانیت توسط شهرسازان را نشانه برتری‌جویی ایشان دانسته‌اند.
- در سایر پاسخها با مواردی از این دست مواجه می‌شویم: مطلوبیت، مقبولیت، اخلاقی بودن، جذابیت، تأییدپذیری، اثبات‌پذیری، سادگی، درخور فهم بودن و ...
- در میان پاسخها با گزینه‌هایی غیرمعمول نیز روبه‌رو هستیم. هرچند تعداد اندکی از پاسخ‌دهندگان این گزینه‌ها را به عنوان پاسخ انتخاب و اظهار کرده‌اند، میزان تنوع و عمق اختلاف میان پاسخها با توجه به این موارد، بیشتر آشکار می‌شود: فریب کاری، کلاه‌برداری، احساسی بسیار بی حساب و کتاب، عامه‌پسندی و ...

۲-۳. نتایج پیمایش میدانی

تلاش شد به این پرسش پاسخ داده شود که «منظور شهرسازان از معقول بودن رویه‌هایشان چیست؟» آن گونه که نتایج پیمایش نشان می‌دهد، کمترین توافق و اجماعی میان این گروه منتخب از نظریه‌پردازان شهرساز درباره تلقی از عقلانیت در شهرسازی وجود ندارد. به این ترتیب، هیچ یک از مفاهیم و تلقی‌های ارائه شده در پیمایش یا اظهار شده توسط افراد مورد تحقیق، از اقبال حداکثری برخوردار نشده است که بتوان براساس آن، نسبت به تعمیم آن از طریق استقرا اقدام نمود و از تلقی واحد و جهان‌شمولی از عقلانیت در میان شهرسازان سخن گفت. شاید بتوان با پیش فرض داشتن برخی از انگاره‌ها، جمع‌بندی‌هایی کلی از این نتایج ارائه دهیم؛ برای مثال، می‌توان نتیجه گرفت که گروه درخور توجهی از پاسخ‌دهندگان، برداشته‌ها و تلقی‌هایی از عقلانیت دارند که بار معنایی ارزشمند و به عبارت دیگر، خوب و مثبت را در ذهن مخاطب عام و خاص وارد می‌سازد. باید درباره این نتیجه‌گیری بسیار کلی و اجمالی به دو نکته اشاره شود:

اول، در کنار این پاسخها نباید از پاسخهای دیگری که بار معنایی بسیار منفی دارند، غافل شویم و آنها را نادیده بینگاریم؛ به عبارت دیگر، به هیچ وجه نمی‌توان حکمی کلی را استنباط کرد. دوم، از این تلقی کلی، یعنی خوب بودن تلقی‌ها، منظوری خاص، کاربردی و سودمند حاصل نمی‌شود؛ به این معنا که:

الف. این نتیجه‌گیری کلی در سطحی عمیق با این پیش فرض صورت گرفته که شهرسازی باید عقلانی باشد؛ درحالی که این پیش فرض خود محل تأمل و پرسش است.

ب. چنانچه همدلانه با این نتیجه‌گیری همراه شویم و پیش‌فرض آن را نیز بپذیریم، آنگاه بلافاصله این پرسش مطرح می‌شود که مراد از خوب‌بودن چیست؟ آنگاه در پاسخ به این پرسش، چاره‌ای جز رویارویی با پراکندگی موجود در پاسخ‌های جمع‌بندی‌شده در این تلقی را نداریم و به این ترتیب، با بی‌اثر بودن این نتیجه‌گیری مواجه خواهیم بود. ج. با تأمل در برخی از پاسخ‌ها، که فراوانی بیشتری نسبت به سایر پاسخ‌ها داشتند، می‌توانیم به مطلب دیگری نیز بیندیشیم. این مطلب می‌تواند زمینه‌آدامه پژوهش در این حوزه را برای علاقه‌مندان فراهم کند؛ برای مثال، چنانچه از چهار نظریه‌پردازی که پاسخ انسجام را اظهار کرده‌اند، پرسش شود که مراد و منظور آن‌ها از انسجام چیست، آنگاه می‌توان با دقت بیشتری درباره قرائت و تفسیر و تعبیر آن‌ها از معقول‌بودن رویه‌های شهرسازی سخن گفت. درباره پاسخ این پرسش مثالی، می‌توان دو احتمال را در نظر گرفت: نخست اینکه احتمالاً این چهار نفر به یک تلقی واحد اشاره می‌کنند. دوم اینکه هر یک از چهار نفر، تلقی متفاوتی از انسجام دارند. با توجه به نتایج پیمایش مذکور می‌توان انتظار داشت که احتمال دوم بسیار بیشتر از احتمال نخست باشد.

۴. راستی‌آزمایی دعوی جهان‌شمول از عقلانیت

ممکن است مخاطب مقاله حاضر ضمن تأیید نتایج حاصل در بخش نخست، این نکته را یادآور شود که: اگرچه گروهی از نظریه‌پردازان (که در پیمایش مذکور مورد توجه قرار گرفته‌اند، تلقی واحدی از عقلانیت در شهرسازی نداشته باشند، این تعداد به نسبت انبوه شهرسازان در گستره جهانی بسیار ناچیز و حتی صفر خواهند بود. علاوه بر این و برخلاف نتایج پیمایش صورت‌گرفته، در میان آن گروه بی‌شمار، تلقی واحدی از عقلانیت در شهرسازی وجود دارد و همه آنان رویه‌های خویش را در انطباق با آن تعریف می‌کنند، سامان می‌دهند و پیش می‌برند. مهم‌ترین شاهد و دلیل بر این ادعا متون موجود در شهرسازی است. همان‌گونه که در آغاز این نوشتار نیز به برخی از موارد اشاره شده است، بیشتر صاحب‌نظران از ضرورت معقول‌بودن شهرسازی سخن می‌گویند. این اتفاق نظر بر یک مقوله (عقلانیت) دال بر وجود قرائتی واحد از آن، در میان عامه شهرسازان است.

چنین موضع‌گیری در مقابل نتایج پیمایش بخش نخست، کاملاً ممکن خواهد بود؛ در نتیجه، باید نسبت به بررسی جوانب این ادعا و میزان اعتبار و صحت آن اقدام لازم را به‌عمل آورد. از این طریق می‌توان نتایج را از مسیری دیگر نیز بررسی کرد.

۴-۱. مواجهه ابتدایی با ادعا

در تبیین و بررسی صحت ادعای مذکور، چاره‌ای جز توجه و بررسی متون مربوط به عقلانیت در شهرسازی وجود ندارد. در ابتدا باید اشاره شود که مروری مختصر و ابتدایی در آثار منتشرشده درباره عقلانیت در شهرسازی، نشان‌دهنده فراوانی بسیار زیاد این آثار است. این فراوانی هم تعداد و شمارگان آثار و هم نحوه استفاده و مقولات پیرامون آن را در بر می‌گیرد. در این بخش نیز، تنگناهای پژوهش ایجاب می‌کند تا دامنه پژوهش را محدود کنیم. برای این منظور، دو برسنج زمانی و موضوعی را انتخاب و براساس آن‌ها درباره گزینش متون و تحلیل محتوای آن‌ها اقدام شد. به این منظور، پژوهش یک بار در بازه زمانی ۱۹۷۰ تاکنون و یک بار از لحاظ موضوعی، به متون مربوط به نظریه‌های شهرسازی محدود شد.

این بخش پژوهش بر آن است که به این پرسش مشخص پاسخ دهد: آیا در متون مرتبط با نظریه‌های شهرسازی که درباره عقلانیت و از سال ۱۹۷۰ میلادی تاکنون منتشر شده‌اند، می‌توان عقلانیتی واحد و جهان‌شمول را برای رویه‌های شهرسازی یافت و معرفی کرد؟ در صورتی که پاسخ به این پرسش مثبت باشد، ادعای مطرح‌شده صحیح و نتایج پیمایش بخش نخست سؤال برانگیز و شبهه‌آمیز خواهد بود؛ اما در صورتی که پاسخ به این پرسش منفی باشد، آنگاه با اطمینان بسیار بیشتری می‌توان درخصوص فرضیه پژوهش و پرسش اصلی آن سخن گفت و درباره آن‌ها قضاوت کرد.

۴-۲. مختصری درباره روش پژوهش در بخش دوم

در این بخش، روش تحلیل محتوا می‌تواند روشی کارآمد در نظر گرفته شود. با توجه به اینکه در تحلیل محتوا^۵ این

مطلب پذیرفته شده است که معنا و دلالت یک اصطلاح و واژه مشخص کاملاً به متن مربوط بستگی دارد، متون انتخابی به آثاری محدود شده که نظریه‌های عقلانی را در شهرسازی، معرفی یا بحث و بررسی کرده باشند. به‌منظور تسریع در کار و با توجه به پژوهش‌های انجام‌شده در گذشته، به آثاری که پیش‌ازاین به بازخوانی موضوع عقلانیت در شهرسازی معاصر (۱۹۷۰ به بعد) پرداخته‌اند، توجه می‌کنیم. به‌طور مشخص، می‌توان در این دوران، از چهار بازخوانی که توسط گروهی از نظریه‌پردازان پیشرو شهرساز ارائه شده، نام برد (Verma 2008; Sager, 1999; Healey 1986; Breheny & Hooper 1985). اختصاصات کلی این چهار بازخوانی به‌اختصار در جدول زیر ارائه شده است:

جدول ۲: خلاصه‌ای از تحلیل محتوای متون انتخاب‌شده در بخش دوم

نوع عقلانیت‌های معرفی شده در هر بازخوانی	هدف کلی از بازخوانی انجام‌شده	سال انتشار	مؤلف یا مؤلفان
		نوع اثر	
<ul style="list-style-type: none"> ▪ عقلانیت‌های رویه‌ای ▪ عقلانیت‌های محتوایی ▪ عقلانیت‌ها در روش 	<ul style="list-style-type: none"> ▪ ارائه جمع‌بندی ▪ طبقه‌بندی مفهومی از مجموعه سخنرانی‌های ارائه‌شده درباره عقلانیت در شهرسازی در یک همایش بین‌المللی 	۱۹۸۴ کتاب	برهنی و هوپر
<ul style="list-style-type: none"> ▪ عقلانیت‌های معرفت‌شناسانه ▪ عقلانیت‌های جامعه‌شناسانه ▪ عقلانیت‌های روش‌شناسانه 	<ul style="list-style-type: none"> ▪ ارائه طبقه‌بندی بر مبنای روند پژوهشی از مجموعه مقالات چاپ‌شده توسط برهنی و هوپر 	۱۹۸۶ مرور کتاب	پتسی هیلی
<ul style="list-style-type: none"> ▪ عقلانیت ابزاری ▪ عقلانیت محتوایی ▪ عقلانیت اجتماعی ▪ عقلانیت ارتباطی 	<ul style="list-style-type: none"> ▪ مروری بر مفهوم عقلانیت در نظریه‌های شهرسازی، مقایسه و نقد آن‌ها ▪ ارائه قرائتی مشخص از عقلانیت در شهرسازی 	۱۹۹۹ مقاله	تور سیجر
<ul style="list-style-type: none"> ▪ عقلانیت محتوایی-عملکردی ▪ عقلانیت فرمال-زمینه‌ای ▪ عقلانیت اهداف-ایزار ▪ عقلانیت مفهومی پراگماتیستی 	<ul style="list-style-type: none"> ▪ معرفی عقلانیت‌های متقابل در شهرسازی ▪ پشتیبانی از قرائتی خاص از عقلانیت پراگماتیستی در شهرسازی 	۲۰۰۸ مقاله	نیرجا ورما

این آثار که کل فاصله زمانی مدّ نظر این پژوهش (۱۹۷۰ تاکنون) را پوشش می‌دهد، این ویژگی را نیز دارد که با اهدافی متفاوت ارائه شده و در نتیجه، توانسته ابعاد و وجوه مختلف آثار مربوط به عقلانیت در نظریه‌های شهرسازی را بازخوانی و تحلیل کند. با همه تفاوت‌های شکلی و محتوایی میان این چهار بازخوانی، یک نکته مشترک در آن‌ها وجود دارد که می‌تواند پاسخ اولیه به پرسش این بخش را در اختیار قرار دهد. همه این بازخوانی‌ها به معرفی نظریه‌هایی منجر شده است که در آن‌ها قضاوت‌های متفاوت و قرائت‌های بسیاری از عقلانیت در شهرسازی دیده می‌شود. کافی است به عناوین این نظریه‌های مختلف که توسط این گروه از صاحب‌نظران ارائه شده، توجه شود تا تصویری ابتدایی نسبت به این مسئله به‌دست آید. در هر یک از این بازخوانی‌ها و از منظرهای مختلف، انواعی گوناگون از نظریه‌های عقلانی در شهرسازی دیده می‌شود که در ستون آخر جدول ۲ آمده است.

این تفاوت در عناوین می‌تواند تصویر اولیه از ادعای مذکور مبنی بر وحدت عقلانیت در نظریه‌های شهرسازی را دچار اغتشاش کند؛ اما در عین حال، نمی‌تواند کاملاً آن را نفی نماید. برای بررسی دقیق‌تر صحت این ادعا تحلیل به‌صورت جزئی‌تر بر یکی از متون مذکور متمرکز می‌شود. این تلاش برای آن است که نشان داده شود آیا این تفاوت تنها در عنوان عقلانیت‌هایی است که در بازخوانی این نظریه‌ها عنوان شده است یا هر یک از این نظریه‌ها برآمده از انگاره‌هایی متفاوت و با محتوایی اساساً مختلف‌اند. برای این منظور و برای نمونه، تحلیل بر محتوای کتاب برهنی

و هوپر متمرکز می‌شود و با دقت بیشتری مورد توجه و بررسی قرار می‌گیرد.

۳-۴. اجزای تحلیل متن بازخوانی انتخاب شده

در سال ۱۹۸۲ و به فاصله زمانی حدود یک دهه پس از فوران بحث‌های مربوط به عقلانیت، در عرصه‌هایی چون فلسفه و جامعه‌شناسی، گروهی از نظریه‌پردازان درگیر در موضوعات شهرسازی با شرکت در گردهمایی در یکی از دانشگاه‌های انگلستان، به ارائه آثار خویش درباره عقلانیت در شهرسازی پرداختند. از آن‌ها خواسته شده بود تا نحوه استفاده خویش از مفهوم عقلانیت را روشن و آن را توجیه کنند. هریک از این شهرسازان، با اتخاذ چارچوب‌های معرفت‌شناختی متفاوت و نیز نظریه‌های گوناگون درباره کنش اجتماعی و تعلق خاطر نسبت به آن‌ها، نظر خویش را درباره عقلانیت در این کنفرانس ارائه کردند. مجموعه این مقالات در قالب کتابی تدوین و ارائه شد (1985 Breheny & Hooper). منصفانه این است که گفته شود تاکنون مجموعه‌ای در این حد و اندازه، درباره موضوع عقلانیت در شهرسازی، گردآوری و منتشر نشده است.

برهنی و هوپر به‌عنوان گردآورندگان این مجموعه، معتقدند مقالات ارائه‌شده این واقعیت را آشکار می‌سازد که اختلاف میان معنای عقلانیت و نحوه استفاده از آن، در میان صاحب‌نظران آثار، بسیار وسیع‌تر از آن چیزی بوده که در ابتدا پیش‌بینی می‌کردند. آن‌ها این اختلافات را حاصل رویکردهای متفاوتی می‌دانند که قیاس‌ناپذیر^{۳۸} هستند. به‌نظر می‌رسد کشمکش اصلی در این دوره زمانی، بحث درباره دوگانه نظر و عمل در شهرسازی بوده است. با مروری در آثار این مجموعه، می‌توان دریافت که هریک از صاحب‌نظران مذکور، سعی دارند تا موضع خویش را درباره محتوا و رویه شهرسازی معقول نشان دهند.

برهنی و هوپر مباحث فراوان عقلانیت شهرسازی در آثار این مجموعه را در سه دسته مفهومی معرفی می‌کنند: دسته نخست، آثاری را در بر می‌گیرد که مباحث مربوط به عقلانیت شهرسازی را در قالب برخی از مقولات فلسفی مطرح کرده‌اند؛ مقولاتی فلسفی که درباره عقل و منطق و استدلال هستند.

نظریات اریک رید^{۳۹} که تحلیلی درباره نحوه استفاده از مفهوم عقلانیت در ادبیات شهرسازی است (77-92, Breheny & Hooper 1985) و مقاله روی دارک^{۴۰} که به ارتباط شهرسازی عقلگرا و دولت می‌پردازد (Ibid, 15-27) یا مقاله آندریاس فالودی^{۴۱} که سعی دارد تا زمینه بازگشت به هسته روش‌شناسانه شهرسازی را با فلسفه پاپری فراهم سازد (Ibid, 27-44)، از جمله آثاری هستند که در این دسته قرار می‌گیرند. برهنی و هوپر سعی می‌کنند نشان دهند چگونه نویسندگان این مقالات بخش یا بخش‌هایی از مباحث مبنایی اثر خویش را از یکی از آثار فلسفی اقتباس کرده‌اند. ایشان معتقدند اینکه اریک رید عقلانیت شهرسازی را در «اثر بخش بودن و کارآمدی در عمل» تعریف می‌کند و این تعریف برآمده از آموزه‌ای است که از ایده عقلانیت انتقادی پاپری اخذ شده است (Ibid, 4) یا بر این باورند که نظریات یوولت^{۴۲} و دارک به‌شدت تحت تأثیر آموزه‌های هابرماسی است (Ibid, 4&5)، می‌توان دریافت که از نظر این دو، عمده مباحث این بخش، متوجه عقلانیت نظریه‌های رویه‌ای در شهرسازی می‌باشد.

دسته دوم آثاری را شامل می‌شود که به برخی از مقولات درباره عقلانیت می‌پردازند که در جامعه‌شناسی مطرح بوده و بر حرفه شهرسازی مؤثر افتاده است.

در این دسته، بیشتر بر آرای جان فارستر^{۴۳} تأکید شده و سپس بخش‌هایی از مقاله وانوپ^{۴۴} (Ibid, 206-196) که با طرح نمونه‌ای موردی سعی دارد تا عقلانیت در عمل را از منظر خویش نشان دهد و نیز مقاله گلدبرگ^{۴۵} (Ibid, 120-135) که از نامعقول بودن شهرسازی عقلانی سخن به میان آورده است و سپس مدعی یک عقلانیت متا^{۴۶} و فراتر در شهرسازی می‌شود، گنج‌نیده شده است. عقلانیتی که از برهم‌کنش دانش زمینه‌ای، تجربی و علمی حاصل می‌شود. ایده‌ای که به‌طور صریحی، وامدار آموزه‌های هابرماسی است. علاوه بر این، نظریات ویور^{۴۷} نیز در همین دسته مطرح می‌شود. او در مقاله خویش، ضمن ارائه روایتی از پارادایم‌های تاریخی شهرسازی، مدعی حرکت به‌سوی عقلانیتی نو در جهت منافع عمومی می‌شود (Ibid, 145-165) از نقطه‌نظر برهنی و هوپر، غالب نظریات در این بخش، ضمن نقد عقلانیت رویه‌ای یا طرد آن سعی دارند تا با اقتباس آرای ماکس وبر و نظریات

جامعه‌شناسانه هابرماس، از عقلانیت محتوایی و برتری آن پشتیبانی کنند. دسته سوم، گروه اندکی از صاحب‌نظران را شامل می‌شود که فارغ از بحث‌های رویه‌ای و محتوایی، به عقلانیت در روش شهرسازی توجه کرده‌اند. برهنی و هوپر بر این باورند که هردو گروه قبل نسبت به علم وفادارند؛ درحالی‌که نظریات ارائه‌شده در دسته سوم با تأثیرپذیری بسیار از پل فایریند^{۴۸}، فیلسوف علم معاصر، عقلانیت علم و روش علمی را کنار نهاده و به موضوع عقلانیت شهرسازی از منظر متفاوت پرداخته‌اند. آنان در تبیین آموزه‌های اخذشده از فایریند یادآور می‌شوند که «آرای فایریند درباره نامعقول بودن در روش نیست؛ بلکه صرفاً در تقابل با اصلی است که تبدیل به قانون شده و به‌صورت میراث معرفت‌شناسی درآمده است. به‌طور خاص، فایریند در تقابل با عقلانیتی سخن می‌گوید که بر این اساس، تدوین و مشهور و مسلط شده است. فایریند می‌گوید رویه واحد و جهان‌شمول یا مجموعه‌ای از ضوابط و مقررات وجود ندارد که هر بخش از یک پژوهش، باید براساس آن انجام شده و «علمی بودن» آن را تضمین نماید تا آن پژوهش شایسته توجه باشد» (Ibid,13).

به‌نحوی غیرمستقیم، برهنی و هوپر با این دسته همراهی می‌کنند و خود را همراه با آنان به حساب می‌آورند (همان‌جا). صاحب‌نظران دسته سوم مدعی‌اند که صف خویش را از افرادی که دل‌مشغولی‌های فلسفی و جامعه‌شناسانه درباره عقلانیت دارند، جدا کرده‌اند. بسیاری از اینان امیدوارند به این ترتیب، بتوانند دستاوردهایی مترقی‌تر را به شهرسازی هدیه کنند. در دسته سوم تنها بخش‌هایی از مقاله مایکل بتی^{۴۹} (Ibid,98-117) که تلاش دارد تا شهرسازی را به‌عنوان مهندسی اجتماعی معرفی کند و نیز به مقاله کریستوفر یوولت (Ibid,209-227) که منظر حرفه‌ای را از شهرسازی معقول، به‌منظور دستیابی به یک روش‌شناسی مناسب ارائه می‌کند، اشاره می‌شود. اهم آموزه‌های مطرح در این سه دسته را می‌توان در جدول زیر خلاصه و جمع‌بندی کرد:

جدول ۳: خلاصه تحلیل محتوای مربوط به بازخوانی برهنی و هوپر

نوع عقلانیت	برخی از نظریه‌پردازان	سرچشمه‌های فکری	دعای نسبت به عقلانیت
عقلانیت رویه‌ای	اریک رید- روی دارک- آندریاس فالودی	متأثر از آراء فلسفی (از یونان باستان تا دوره روشنفکری و از دوره روشنفکری تا دهه ۷۰ قرن بیستم)	عقلانیت هم‌ارز با منطقی بودن، تعقل و استدلال
عقلانیت محتوایی	جان فارستر- وانوب- گلدبرگ- ویور	جامعه‌شناسی که به عمل اجتماعی می‌پردازند؛ به‌خصوص وبر و هابرماس	نقد عقلانیت رویه‌ای و طرد آن مدعی بازنمایی واقعیت شهرسازی عقلانیت درباره عمل و منبعث از آن
عقلانیت در روش	مایکل بتی- یوولت	متأثر از آراء فایریند	رد دعوی رویه. محتوا تلاش برای روش‌شناسی مناسب و معقول در شهرسازی به‌عنوان عقلانیت مترقی‌تر

همان‌گونه که مشخص است، تفاوت‌ها نه تنها عناوین، بلکه محتوا و آموزه‌ها و نیز سرچشمه‌های این نظریه‌ها را در بر می‌گیرد.

۴-۴. نتایج حاصل از بخش دوم

در این بخش و با تحلیل محتوای متون مربوط به عقلانیت در نظریه‌های شهرسازی چند دهه اخیر و با تمرکز بر برخی از این متون، می‌توان گفت که ادعای وجود نظریه‌ای واحد و جهان‌شمول از عقلانیت صادق نیست. این

بررسی نشان می‌دهد که نه تنها نظریه‌ای واحد از عقلانیت در شهرسازی در دوران معاصر وجود ندارد، بلکه برعکس نظریه‌های متعدد، متنوع و فراوانی رخ می‌دهد که همگی دعوی عقلانیت در شهرسازی را دارند. این تخالف و تباین و تنوع صرفاً در حدّ عناوین نظریه‌ها نیست؛ بلکه عناوین متفاوت نمادی از تعارضات ماهوی و مبنایی میان آن‌ها می‌باشد.

علاوه بر این نشان داده شد که ممکن است عنوانی مانند عقلانیت رویه‌ای در شهرسازی، مجموعه‌ای از نظریه‌ها و نظریه‌پردازان را شامل شود که در عین تشابه، تفاوت‌های بارزی را بروز می‌دهند. این تفاوت‌ها باعث می‌شود تا هریک از این نظریات، به‌طور مجزا مطرح و مورد توجه قرار گیرند؛ به‌عبارت دیگر، تحلیل محتوای بخشی از متون شهرسازی معاصر نیز، مؤید نتایج حاصل از پیمایش انجام‌شده در بخش نخست است.

جمع‌بندی

با تکیه بر آنچه در بخش‌های پیش و تا حدّ امکان این نوشتار مورد بحث و بررسی قرار گرفت، دوباره پرسش‌های آغازین مطرح و جمع‌بندی زیر ارائه می‌شود:

• در پرسش نخست که مراد شهرسازان از عقلانیت رویه‌های شهرسازان چیست؟ نتایج حاصل از این مطالعه نشان می‌دهد:

۱. در نزد گروهی از شهرسازان که در پژوهش حاضر مدّ نظر قرار گرفتند، معانی، تعبیر و تلقی‌های بسیار متنوع و متفاوتی از عقلانیت رویه‌های شهرسازی وجود دارد.

۲. در نزد این گروه، کمترین استقبال از تلقی‌هایی چون علمی‌بودن، عقلانی‌بودن، منطقی‌بودن و مستدل‌بودن به‌عنوان تلقی‌های هم‌ارز با عقلانیت رویه‌های شهرسازی به‌عمل آمده است.

۳. پاسخ‌های ارائه‌شده توسط این افراد، طیف وسیع و بسیار پرحاشیه‌ای شامل تلقی‌های متفاوت و حتی متعارض می‌شود که هرگونه طبقه‌بندی مفهومی و کلی میان آن‌ها را بی‌حاصل و غیرممکن می‌سازد.

۴. خلاصه اینکه نمی‌توان از منظور مشخص، واحد و جهان‌شمول و یا حتی منظور مشابهی در میان این گروه از شهرسازان، دربارهٔ عقلانیت رویه‌های شهرسازی سخن گفت.

۵. این مقاله با آگاهی از اشکالات مبنایی هرگونه استقرا به‌دنبال تعمیم نتایج این پیمایش به عموم شهرسازان نیست؛ اما حداقل به‌عنوان یک مثال نقض صریح، هرگونه تلاش برای تعریف یا تدوین منظوری واحد از عقلانیت در شهرسازی را دچار اشکال جدی می‌سازد.

• در پرسش دوم که از یک سو با ایجاد تردید در نتایج پیمایش بخش نخست مطرح و از سوی دیگر، برآمده از اصرار شهرسازان بر معقول‌دانستن رویه‌هایشان است، جست‌وجوی نظریه‌ای واحد از عقلانیت در متون شهرسازی چند دههٔ اخیر نشان داد که:

۱. نظریه‌های متعددی در شهرسازی وجود دارد که همگی ادعای تعریف، تدوین یا تبیین عقلانیتی خاص برای رویه‌های شهرسازی را دارند.

۲. اختلاف و تعارض میان این عقلانیت‌ها نه تنها در عنوان، بلکه در محتوا و مبنای آن‌ها به چشم می‌خورد.

۳. تحلیل محتوای این نظریه‌ها وجود هرگونه ادعا مبنی بر نظریه‌ای جهان‌شمول از عقلانیت در شهرسازی معاصر را مردود می‌شمارد.

• به این ترتیب و به‌طور خلاصه، می‌توان تأکید کرد که تاکنون تلقی یا نظریه‌ای که بتواند عقلانیتی واحد و جهان‌شمول را برای شهرسازی معاصر رقم بزند، ارائه نشده است؛ اما بحث دربارهٔ امکان‌پذیری آن باید در پژوهشی مجزا و با روش‌هایی متفاوت پی گرفته شود. به‌نظر می‌رسد برای تأمل بیشتر در موضوعات مربوط به نسبت میان شهرسازی و عقلانیت، نیاز به تجدید نظر در باورهای مرسوم و اتخاذ رویکردهایی متفاوت است.

پی نوشتها

1. rationality
2. practice
3. qualitative research
4. questionnaire
5. content analysis
6. justifiable
7. scientific
8. logical
9. based on wisdom
10. desirable
11. logical consistency
12. fruitful
13. good
14. misleading
15. popular
16. effective
17. mobilizable
18. gut feeling
19. authorized
20. fraud
21. charming
22. moral
23. verifiable
24. valuable
25. plausible
26. confirmable
27. reasonable
28. simple
29. understandable
30. modish
31. performable
32. deceptive
33. complete
34. legitimate
35. superiority
36. consensus
37. consistence
38. incommensurable



۳۹. Eric Reade استاد گروه برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای دانشگاه نیوکاسل انگلستان
۴۰. Roy Darke استاد گروه برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای دانشگاه شفیلد انگلستان
۴۱. Andreas Faludi استاد گروه جمعیت‌شناسی دانشگاه آمستردام هلند
۴۲. Christopher Yewlett استاد گروه برنامه‌ریزی شهری دانشگاه ولز
۴۳. John Forester استاد گروه برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای دانشگاه کرنل آمریکا
۴۴. Uralan Wannop استاد گروه برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای دانشگاه گلاسکو انگلستان
۴۵. Michael Goldberg استاد گروه مدیریت تجارت دانشگاه بریتیش کلمبیا کانادا
۴۶. metarationality
۴۷. Clyde Weaver استاد گروه برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای دانشگاه بریتیش کلمبیا کانادا
۴۸. Paul Feyerabend از: تأثیرگذارترین فلاسفه علم معاصر
۴۹. Michael Batty استاد برنامه‌ریزی فضایی کالج لندن

منابع

- Alexander, Ernest R. 2000. Rationality Revisited: Planning Paradigms in a post-postmodernist Perspective- Journal of Planning Education and Research. Spring. Vol. 19. No. 3. Pp: 242-256.
- Belson, W.A. 1982. The Design and understanding of survey questions. Hants, UK: Gower.
- Bernstein, Richard J. 2010. The Pragmatic Turn. Cambridge: Polity Press.
- Breheny, M.J. and Alan J. Hooper. 1985. Rationality in Planning: Critical Essays on the Role of Rationality in Urban & Regional Planning. Milan: Pion Limited.
- Faludi, A. 1985. The return to rationality. In Rationality in Planning, Ed. M Breheny & A Hooper. London: Poin.
- Friedmann, John. 1987. Planning in the Public Domain: From Knowledge to Action. USA: Princeton University Press.
- Healey, Patsy. 1986. Review on: Rationality in Planning: Critical Essays on the Role of Rationality in Urban & Regional Planning. Urban Studies. Winter. PP:248-249.
- Hillier, Jean and Michael Gunder. 2009. Planning in Ten Words or Less, A Lacanian Entanglement with Spatial Planning. UK: Ashgate Publishing Company.
- Hoch, Charles. 2007. Making plans: Representation & intention. Planning Theory. Vol 6(1). PP: 15-35.
- Sager, Tore. 1999. The rationality issue in land-use planning. Journal of Management History. Vol. 5(2). Pp:87- 107
- Sager, Tore. 1992. Why plan? A Multi-Rationality Foundation for planning. Scandinavian Housing & planning Research. No9. pp: 129-147.
- Verma, Nirja. 2008. Pragmatic Rationality and Planning Theory. In: Political Economy, Diversity and Pragmatism. Edited by: Jean Hillier & Patsy Healey. UK: Ashgate. PP: 463-471.